

A- الفبای زبان آلمانی

Das deutsche Alphabet

نوشتن در خدمت اصلاح دائمی گفته‌های زبانی است. مانند سایر زبان‌های اروپایی، زبان آلمانی از املاي صداشناسي استفاده مي‌کند؛ که با آن صداها هرچند نامشخص و ناسازگار، توسط شخصيت‌های خاص «معين» حروف ارائه مي‌شوند.
ما در زبان آلمانی با دو نوع حروف سروکار داریم:

1) حروف صدادار

2) حروف بی‌صدا

از 26 حرف زبان آلمانی 6 حرف آن صدادار و مابقی بی‌صدا هستند؛ که این حروف عبارت‌اند از:

Aa	Bb	Cc	Dd	Ee	Ff	Gg	Hh	Ii
آ	ب	ث	د	اِ	اِف	گِ	ها	ای
Jj	Kk	Ll	Mm	Nn	Oo	Pp	Qq	Rr
یُت	کا	اِل	اِم	اِن	اُ	پ	کو	اِر
Ss	Tt	Uu	Vv	Ww	Xx	Yy	Zz	(ß)
اِس	ت	او	فاو	و	ایکس	اوپسیلِن	تِسِتْ	اِس، سِتْ

حروف صدادار عبارت‌اند از:

A	E	I	O	U	Y
آ	اِ	ای	اُ	او	اوپسیلِن

Zusammensetzung der Vokale

A₁ - ترکیب حروف صدادار

این حروف صدادار می‌توانند با یکدیگر ترکیب شده و حروف ترکیبی جدیدی با صدای جدید بوجود آورند.

a + u = au « آو » → laufen - kaufen - rauchen - Haus

ä + u = äu « آی » → Verkäufer - versäumen - räumen - häufig - Säule

e + i = ei « آی » → bleiben - eilen - drei - weil - eins

e + u = eu « آی » → heute - Leute - neun - bedeuten

a + i = ai « آی » → Mai - Saite « سیم گیتار، زه » - Waise « یتیم »

e + y = ey « ای » → Meyer

a + y = ay « آی » → Bayern

نکته: حروف صدادار « a , u , o , au » اگر اوملاوت (نشانه‌ی تغییر صوت) « ُ » را بپذیرند به صورت « ä , ü , ö , ä » در می‌آیند و تُن صدای آنها تغییر خواهد کرد؛ که این حروف صدادار را، حروف صدادار اوملاوت‌پذیر می‌گویند.

نکته: اگر « e » بعد از « i » بیاید، خوانده نمی‌شود، ولی « i » کشیده تلفظ می‌شود:

i + e = ie → Spiel - wie - wieder - Ziel - Brief

Zusammensetzung der Konsonanten

A₂ - ترکیب حروف بی صدا

« h » ← اگر قبل از حرف « h » حروف صدادار بیایند، « h » خوانده نمی‌شود، و حرف صدادار قبل از آن کشیده تلفظ می‌شود:

nehmen Lehrer Uhr Ohr

اگر حرف « h » مابین دو حرف صدادار، اعم از هم‌شکل یا غیر هم‌شکل قرار بگیرد، تلفظ شده و صدای آن همانند « ه » پارسی می‌باشد:

sehen gehen

« ch » ← این ترکیب صدای « ش » خفیف یا نرم می‌دهد:

ich – mich – dich – richtig – nicht – rechnen

اگر « ch » بعد از حروف صدادار اوملاوت‌پذیر بیاید؛ صدای « خ » می‌دهد:

Bach جویبار « باخ » Bauch شکم « باؤخ »

Loch سوراخ « لُخ » Buch کتاب « بوخ »

اگر این حروف صدادار اوملاوت‌پذیر، اوملاوت بپذیرند، صدا به همان « ش » خفیف یا نرم برمی‌گردد:

Bücher کتاب‌ها « بوُشا » Löcher « لُشا » « لُشر »

اگر « ch » در اول کلمه قبل از « e » و « i » بیاید، صدای « ش » خفیف یا نرم می‌دهد:

Chef رئیس « شِف » Chemie شیمی « شیمی »

« ch » همراه با « s » به صورت ترکیب « chs » صدای « X » یکس می‌دهد:

sechs شش « زِکس » Achse محور، میله « آکس »

« tsch » ← این ترکیب صدای « چ » می‌دهد:

Deutschland آلمان « دُیچ، لند » Deutsch زبان آلمانی « دُیچ »

« sch » ← این ترکیب صدای « ش » می‌دهد:

Schüler دانش‌آموز « شوْلا » « شوْلر » Tisch میز « تیْش »

Schule مدرسه « شوْله » schnell سریع « شِنِل »

« st » ، « sp » ← اگر « s » همراه با « p » یا « t » به صورت ترکیب ذکر شده در اول کلمه بیاید صدای « شپْ، شتْ » می‌دهد:

Straße خیابان « شُتراسِ » Sport ورزش « شُپُرت »

ولی اگر در وسط یا آخر کلمه بیاید، صدای اصلی خود را می‌دهد:

Obst میوه « اُبست » Post پست « پُست » durstig تشنه « دورسْ تیگْ »

توجه: اگر « st » یا « sp » در وسط یک کلمه‌ی مرکب واقع شود و قبل از آن، پیشوند، اسم، صفت، مصدر یا حروف اضافه بیاید، به صورتی که بعد از تجزیه در اول کلمه قرار بگیرد، باز هم صدای « شتْ و شپْ » می‌دهد:

- بازی Spiel + « نزد » حرف اضافه bei → مثال « بای شپیل » Beispiel
- مداد رنگی Stift + « مداد، سرب » اسم Blei → مداد « بلای شتیتفت » Bleistift
- توجه:** اگر دو حرف بی صدای هم‌شکل پشت سرهم در یک کلمه بیایند، کوتاه تلفظ می‌شوند:
- مادر « موتا » « موتر » Mutter نامیدن « نین » nennen باز « اُفن » offen
- « qu » ← این ترکیب صدای « کو » می‌دهد:
- سرآغاز، منشا، منبع، سرچشمه، چشمه Quelle « کووله » Quelle
- « ig » ← این ترکیب اگر در آخر کلمه بیاید، صدای « ایش » یا « ایگ » می‌دهد:
- صحیح richtig تمام، حاضر، آماده fertig گرسنه hungrig
- « ph » ← صدای « f » می‌دهد:
- فیلسوف Philosoph فاز Phase فتوکپی Photokopie
- « pf » ← این ترکیب صدای « f » می‌دهد:
- فلفل Pfeffer تابه Pfanne اسب Pferd
- « tion » ← این ترکیب صدای « تسی یُن » می‌دهد:
- ملت « ناتسین » Nation دکوراسیون « دگراتسی یُن » Dekoration

A₃ - تلفظ حروف الفبا: Die Aussprache des Alphabets

- هرگاه حرف « c » قبل از حروف صدادار « au, u, o, a » به صورت‌های « Ca = کا »
- « ک » « Co = کو » « Cu = کو » « Cau = کاو » و حروف بی‌صدا به صورت « Cr = کر » قرار بگیرد،
- صدای « ک » می‌دهد و به جای حرف « C » از حرف « K » استفاده می‌شود:
- قهوه « کافی » Kaffee دوربین « کامرا » Kamera
- توجه:** واژه‌هایی که از زبان‌های بیگانه وارد زبان آلمانی می‌شوند، بدون تغییر شکل نوشته و تلفظ می‌شوند:
- کولا « کُلا » Cola کافه « کافِ » Cafe کرم « کِرِم » Crème

ترکیب « gh » صدای « غ » می‌دهد:

ماست « یُغورت » Joghurt

ترکیب « dj » صدای « ج » می‌دهد:

صفت « اَجک تیو » Adjektiv

حرف « z » در واژه‌هایی که از زبان فرانسه وارد زبان آلمانی شده‌اند؛ می‌تواند به صورت اصلی « ژ » تلفظ شود و یا با تلفظ آلمانی « ی » خوانده شود:

روزنامه نگار « ژورنالیست » Journalist مجله « ژورنال » Journal

حرف « r » را می‌توان به دو صورت (1) پارسی « ر » و یا (2) تلفظ غلیظ آلمانی « غ » تلفظ کرد:

رادیو « رادیُ » « غاڈیُ » Radio

حرف « s » صدای « س » می‌دهد؛ ولی اگر بعد از آن حروف صدادار بیایند صدای « ز » می‌دهد:

آب میوه « زافت » Saft دیدن « زهِن » sehen

هفت « زبین » sieben بینی « نازه » Nase

ترکیب « ss »: دو « s » پشت سرهم صدای « س » می‌دهد و باید کوتاه تلفظ شود؛ و فقط بین دو حرف صدادار اعم از هم‌شکل یا غیر هم‌شکل واقع می‌شود.

خوردن « اِسِن » essen آب « واسا » Wasser

« ß » صدای « اِس » « سِت » می‌دهد که به جای « ss » بکار می‌رود و همیشه صدای « س » می‌دهد و همیشه در وسط یا آخر کلمه می‌آید.

اگر حرف « t » به همراه « h » به صورت ترکیب « th » بیاید، در این صورت حرف « h » تلفظ نمی‌شود:

موضوع « تِما » Thema تئاتر « تِاتا » « تِاتِر » Theater

اگر قبل از حرف « t » حرف « d » بیاید، « d » تلفظ نمی‌شود:

شهر « شَتات » Stadt

حرف « v » در ترکیب کلماتی که از زبان بیگانه وارد زبان آلمانی شده‌اند، صدای « و » می‌دهد:

دانشگاه « اوْنی ورْزی تَت » Universität گلدان « وازِ » Vase

حرف « z » صدای تُسِت می‌دهد و از لحاظ تلفظ با « تس » یکسان است:

شکر « تسوکر، تسوکا » Zucker دندان « تسان » Zahn

اگر دو حرف صدادار هم‌شکل پشت سرهم بیایند: کشیده تلفظ می‌شوند:

دریا « ز » See نیروی زمینی « ارتش » Heer

مو « هار » Haar جای « ت » Tee

حرف صدادار « a » همراه با اوملاوت به صورت « ä » صدای « e = اِ » می‌دهد:

پنیر « کز » Käse

حرف صدادار « o » همراه با اوملاوت به صورت « ö » تلفظ پارسی ندارد، فقط هنگام تلفظ آن باید لب‌ها را جمع کنیم، که با این عمل صدای آن کمی تغییر کرده و کشیده‌تر تلفظ می‌شود:

قاشق « لفل » Löffel روغن « اول » Öl

« ü » نیز مانند « ö » تلفظ پارسی ندارد، فقط هنگام تلفظ آن باید لب‌ها را جمع کرده و با این عمل صدای آن تغییر کرده و کشیده تلفظ می‌شود:

تمرین « اُبونگ » Übung امتحان « پروفونگ » Prüfung
« ä u = eu = oi » همگی صدای « اُی » می‌دهند:

مردم Leute توالت « تُی لیت » Toilette درختان « بایم » Bäume
به جای ترکیب « kk » در زبان آلمانی « ck » نوشته می‌شود:

چک بانکی « شیک » Scheck در فر پختن « باکِن » backen

به جای ترکیب دابل « zz » در زبان آلمانی « tz » نوشته می‌شود:

گربه Katze حفاظت، امنیت Schutz

توجه: هرگاه دو حرف صدادار اوملاوت‌پذیر در یک کلمه وجود داشته باشند و آن کلمه بخواهد اوملاوت بپذیرد، همیشه حرف صدادار اولی پذیرنده‌ی اوملاوت (ُ) می‌باشد.

درختان « بایم » Bäume درخت « باؤم » Baum

اگر « ch » قبل از حروف صدادار « a , u , o , au » و حروف بی‌صدا بیاید، صدای « ک » می‌دهد:

کلر « کلُر » Chlor اجازه نامه « کارتر » Charter

ترکیب « er » در آخر کلمه صدای « ِر » یا « آ » می‌دهد و بسته به لهجه‌های مختلف در ایالت‌های آلمان، متفاوت است:

aber اما « آبا » « آبر »

ترکیب « chen » یک پسوند کوچک کننده است و همراه هر اسمی که بیاید، آن را کوچک می‌کند و همیشه حرف تعریف آن « das » می‌باشد:

Brötchen → نان کوچک Mädchen → دختر کوچک « دختر بچه »

Söhnchen → پسر بچه

یک حرف صدادار تحت شرایط زیر، همیشه کشیده تلفظ می‌شود:

(1) اگر حرف صدادار در آخر سیلاب تأکید شده در داخل یک کلمه واقع شود.

Sa-me , Re-gen , Fi-bel , Kro-ne , Blu-me , Rä-der , mö-gen , lü-gen

(2) وقتی که دو حرف صدادار هم‌شکل، پشت سرهم بیایند:

Saal → تالار، سالن Teer → قطران، قیر Moor → باتلاق، لجن زار

(3) وقتی که یک حرف صدادار قبل از « h » بیاید، « h » تلفظ نشده و حرف صدادار کشیده تلفظ می‌شود:

Bahn → قطار sehr → خیلی، زیاد ihm → « مذکر » او « به، برای »

Stuhl → صندلی Kohl → کلم versöhnen → آشتی دادن، دلجویی کردن

(4) وقتی حرف صدادار قبل و بعد از « ß » بیاید:

Straße → خیابان mäßig → متوسط، معتدل، میانه‌رو

Blöße → برهنگی، لختی

(5) هرگاه حرف صدادار « i » قبل از « e » بیاید، « e » تلفظ نشده و حرف « i » کشیده تلفظ می‌شود:

Ziel → هدف viel → خیلی die → حرف تعریف مونث ریل Schiene →

(6) بعضی وقت‌ها حرف « i » به وسیله « -eh » کشیده تلفظ می‌شود:

Vieh → دام stiehlt → دزدیدن befiehlt → امر کردن، دستور دادن

* اگر یک حرف صدadar قبل از دو حرف بی‌صدای هم‌شکل قرار گیرد، همیشه کوتاه تلفظ می‌شود:

alle → همه، تمام Ebbe → جذر wollen → مصدر خواستن

immer → همیشه offen → باز Mutter → مادر Egge → گاو آهن

* هرگاه حرف صدadar « e » در هجای پایانی به صورت‌های « -e, -en, -el » و در پیشوندهای بدون تاکید مثل « zer-, be-, ge-, ver- » واقع شود، فقط به صورت زمزمه کردن، تلفظ می‌شود:

Fahne → پرچم Leben → مصدر زندگی کردن Engel → فرشته

bekommen → بدست آوردن، دریافت کردن vergessen → فراموش کردن

zerstören → نابود کردن gemacht → اسم مفعول انجام دادن

* در کلمه‌ی « König » اگر بعد از « ig » حروف صدadar و نیز پسوند « -lich » بیاید و همچنین در کلمه‌ی « Königreich », « ig » فقط صدای « ایگ » می‌دهد:

Könige	Königin	Königreich	königlich
پادشاهان	شهبانو	قلمرو پادشاهی	شاهانه، سلطنتی

توجه: دو حرف بی‌صدای هم‌شکل، اگر پشت سرهم بیایند، به صورت یک حرف بی‌صدای منفرد در نظر گرفته می‌شوند.

اگر « ß » بین دو حرف صدadar واقع شود، همیشه حرف صدadar اولی کشیده تلفظ می‌شود:

Füße → پاها Maße → انبوه، توده Größe → اندازه Grübe → احترام

در کلمه‌هایی که از زبان خارجی « بیگانه » وارد زبان آلمانی می‌شوند، اگر « st » و « sp » در ابتدای کلمه یا در وسط کلمه واقع شوند، صدای اصلی خود را می‌دهند:

Stanniöl → فویل	Institut → موسسه، بنیاد	Inspiration → الهام
« اِستانیُول »	« اِینستیتوت »	« اِینسپیراتسیون »

توجه: دو حرف صدadar اعم از هم‌شکل و غیر هم‌شکل، اگر در یک کلمه که بیش از یک هجا « بخش » داشته باشد، پشت سر هم بیایند، می‌توانند جدا از هم تلفظ شوند:

Frei-er → خواستگار Trau-ung → ازدواج، عروسی

Be-amt-er → کارمند دولت

Das Wort

A4 - کلمه:

کلمه دنباله‌ای از صداهاست که به عنوان نشانه‌های زبانی، معنی یک کلمه را بیان می‌کند. یک کلمه را می‌توان با محتوایش از بافت گفتاری جدا کرد؛ زبان از کلماتی تشکیل شده است که با در نظر گرفتن قوانین دستوری در جملات ترکیب می‌شوند. این کلمات به عنوان حامل‌های مستقل معنا در حافظه‌ی فرد ذخیره می‌شوند. کلمات اصلی آلمانی که کلماتی بدون تکواژه‌های اضافی کلمه‌سازی هستند، یک یا دو هجایی «بخشی» هستند.

Bad حمام Haus خانه Buch کتاب

Mensch انسان schön زیبا kalt سرد

دو هجایی:

Fen.ster پنجره Ha.se خرگوش Dam.pfer کشتی بخار

Ar.beit کار si.cher حتماً e.ben به همین دلیل، همین حالا

با کمک تکواژه‌های کلمه‌سازی و از طریق ترکیب واحدهای لغت‌ساز در زبان آلمانی تقریباً می‌توان به طور نامحدود، حیطه‌ی لغات آلمانی را گسترش داد.

wohnen ساکن، مقیم wohnhaft ساکن بودن، سکونت داشتن، زندگی کردن

bewohnen آپارتمان Bewohner ساکن، اهل Bewohner ساکن شدن

innewohnen نقاهتگاه کودکان Kindererholungsheim اقامت کردن

Kraftfahrzeugzulassungsstelle اداره‌ی ثبت نام وسایل نقلیه‌ی موتوری

کلمات مرکب حاوی عناصر نحوی متمایز هستند، به عنوان مثال:

Krankenschwester (Schwester zur Pflege kranker Menschen.)

پرستار زن (خواهری برای مراقبت از افراد بیمار.)

Touristen**land** (Land, in das Touristen gern(e) reisen.)

کشور توریستی (کشوری که در آن (به آن) گردشگران با کمال میل سفر می کنند.)

Speise(n)**karte** (Karte, auf der die Speisen verzeichnet sind, die ein Gasthaus anzubieten hat.)

منو (کارت یا ورقه‌ای، که بر روی آن (نام) غذاها ثبت شده‌اند، که آنها را یک مسافرخانه ارائه می دهد.)

توجه: صدای اصلی یک کلمه یا **تُن** کلمه، به صدای آن بخشی از کلمه بستگی دارد که حرف صدادار در آن بخش قرار دارد.

Búch, Héft, Kínd, Bérg, schön, gélb, jétzt, báld

توجه: تک واژه‌های آزاد، با کلمه‌ای که به آن تعلق دارند، یک گروه آوایی را تشکیل می دهند:

das Búch , die Túr , der Schránk , zur Póst , im Zúg , am Tág , ein Kind

توجه: کلماتی که با پیشوندها و قیده‌ای « ob- , miß- , in- , hin- , her- , durch- , dar- , da- , zu- , wieder- , wider- , vor- , voll- , unter- , un- , um- , über- » همراه هستند؛ طنین صدا می تواند بر بخش اول کلمه یا بر بخش ریشه‌ی کلمه قرار گیرد.

úmfahren یا umfáhren , Vollzúg اما vóllautomatisch , Zukúnft

zusámmen اما

توجه: « Voll » و « Zu » در دو کلمه‌ی « Vollzúg » و « Zukúnft » پیشوند یا قید نیستند بلکه جزء خود کلمه می باشند به همین دلیل طنین صدا بر روی آنها نیست.

زبان آلمانی از اسم، مصدر، قید، صفت، ضمیر، حرف اضافه، عدد، حرف ربط، پیشوندها، پسوندها، تبدیلات و اصطلاحات تشکیل شده است، که در ادامه به همه‌ی آنها اشاره خواهیم کرد.

Das Nomen oder Das Substantiv

B - اسم:

اسم‌ها کلماتی هستند که موجودات زنده « مرد، زن، سگ، درخت »، اشیاء « خانه، میز، انبر » و مفاهیم « باور، دوستی، آزادی » را نشان می‌دهند یا بوسیله‌ی آنها نامیده شده و معنی و مفهوم پیدا می‌کنند.

اسم در زبان آلمانی دارای جنسیت بوده و به سه دسته تقسیم می‌شود، که هیچ‌گونه ملاک دقیق و مشخصی برای تشخیص جنسیت اسامی « مذکر، مونث و خنثی » که با حرف تعریف « der Artikel » به ترتیب « **der, die, das** » مشخص می‌شوند، وجود ندارد؛ بنابراین برای تشخیص هویت هر اسم باید حرف تعریف آن را بیاموزیم تا در جمله‌سازی و تغییرات و تبدیلات و صحبت کردن دچار مشکل نشویم.

مثال:

1. der Mann	مرد	der Tisch	میز	der Streit	دعوا
2. das Kind	بچه	das Haus	خانه	das Gefühl	حس، احساس
3. die Frau	زن	die Straße	خیابان	die Vernunft	خرد، منطق
(1) مذکر		(2) خنثی	(3) مونث		
(1) Maskulin		(2) Neutral	(3) Feminin		

توجه: در زبان آلمانی حروف اول کلمه‌ی اسامی اعم از خاص، عام، اشخاص، اشیاء، شهرها و کشورها با **حروف بزرگ** نوشته می‌شود؛ و به استثنای اسامی اشخاص و بعضی از کشورها، کلمه‌ی اسامی دارای حرف تعریف می‌باشند.

*** مشخصه‌ها یا علائمی وجود دارند که از روی آنها تا حدود بسیار زیادی می‌توان جنسیت اسم‌ها را تشخیص داد، البته این قاعده همیشه 100 درصد دقیق نیست و استثناهایی همیشه وجود دارند، که آنها را نیز باید همانند حرف تعریف‌ها بیاموزیم؛ و تنها راه فرا گرفتن آنها و در کل هر زبان خارجی‌ای، **تکرار، تکرار و باز هم تکرار و تمرین و صبر و حوصله و زمان گذاشتن** می‌باشد.

B1 - راه‌های تشخیص جنسیت حرف تعریف اسم‌ها:

(1) اسم‌هایی که آخر آنها به:

or, er, ist, et, ling, eur, us, at, longe, ant, ich, ig, är, ar, and, ier → 16

ختم می‌شوند « der » هستند.

* روزها، ماه‌ها، فصل‌ها، جهت‌های جغرافیایی، چیزهایی که در ارتباط با بارندگی هستند، مثل:

برف، باران، مه و تگرگ، تحرکات آب و هوایی، مثل: باد، طوفان به استثنای نسیم ← die Brise

و آب و هوا ← das Wetter و همه‌ی ماشین‌ها « der » هستند.

(2) اسم‌هایی که آخر آنها به:

chen, nis, ment, lein, um, tum, ma, ett, sel → 9

ختم می‌شوند « das » هستند.

* حروف الفبا، مصدری که فعل نباشد، مثل: « Lesen » آب و هوا، و رنگ‌ها زمانی که اسم

باشند « das » هستند.

(3) اسم‌هایی که آخر آنها به:

schaft, heit, keit, e, ung, ion, in, ei, tet, ik, ur, ät, thek, nz, age, enz, itis → 17

ختم می‌شوند « die » هستند.

* نام هواپیماها، اعداد، نام کشتی‌ها، نسیم « die » هستند.

چند مثال برای اسم‌هایی که استثنا هستند:

der Name	اسم	die Nummer	شماره	die Mutter	مادر
der Gedanke	اندیشه، فکر	die Tochter	دختر		
der Löwe	شیر	die Kammer	مخزن، حفره		
das Blei	سرب	das Silber	نقره	das Meer	دریا
das Getreibe	جعبه دنده	das Zimmer	اتاق		

* بعضی از اسامی دارای دو جنسیت به طور همزمان هستند؛ مثال:

die, der Gleichaltrige	همسالان
die, der Heranwachsende	نوجوانان
die, der Einheimische	بومی
die, der Alleinerziehende	تک سرپرست
die, der Alleinstehende	منزوی، تک و تنها
die, der Beschäftigte	مشغول شده
die, der Beteiligte	شریک
die, der Studierende	دانشجو
die, der Frauenbeauftragte	نماینده‌ی زنان
die, der Betroffene	مصبیت زده، مبتلا
die, der Prominente	برجسته، مشهور
die, der Dozierende	مدرس
die, der Lebensabschnittsbegleiter	همدم زندگی
das, der Virus	ویروس

* بعضی از اسامی نیز به طور همزمان دارای هر سه جنسیت هستند:

die, der , das Joghurt	ماست
-------------------------------	------

اسم سنگ‌ها « der » هستند:

der Basalt بازالت ، der Diamant الماس ، der Stein سنگ ، der Granit گرانیت
به استثنای « گچ ← die Kreide ».

* اسم بارندگی‌ها و بادهای « der » هستند، به استثنای « نسیم ← die Brise »

die Bora ← باد سرد و خشک	das Wetter ← آب و هوا	
der Regen باران	der Tau شبنم	der Hagel تگرگ
der Föhn سشوار	der Monsun → موسوم بارندگی	

* پنج اسم با « -ee » : به استثنای « دریا ← die See = das Meer » :

der Kaffee قهوه der Klee شبدر der Schnee برف

der See دریاچه der Tee چای

* اکثر اسم‌های لفظی بدونِ پسوند، « der » هستند:

der Wurf پرتاب der Kauf خرید

der Riß ترک der Reiz تحریک، محرک

der Gang سرسرا، باند، دنده، راهرو

* افراد و حیوانات جوان، تا زمانی که مجبور نباشند، جنسیت دستوری متفاوتی به دلیل پایان این دوره یا پسوند داشته باشند، « das » هستند:

das Kind بچه das Kalb گوساله das Küken جوجه

das Lamm بره das Fohlen کره اسب

* نامگذاری‌های مشترک برای موجودات نر و ماده « das » هستند:

das Schwein خوک das Pferd اسب das Rind گاو das Kamel شتر

* نام شهرها و مکان‌ها، قاره‌ها و اکثر کشورها « das » هستند:

das alte Berlin برلین قدیمی das schöne Italien ایتالیای زیبا

das heutige Asien آسیای امروزی

das benachbarte Frankreich فرانسه‌ی همسایه

* نام فلزات و عناصر شیمیایی « das » هستند:

das Gold طلا das Silber نقره das Eisen آهن

das Nickel نیکل das Chrom کرم das Blei سرب

das Brom برم das Uran اورانیوم

به استثنای: der Stahl فولاد der Schwefel گوگرد der Bronze برنز

* همه‌ی کلماتی که مانند اسم بکار می‌روند، تا آنجا که برای نامیدن یا توصیف کردن افراد به

کار نروند « das » هستند:

das Essen خوراک das Leben زندگی das Rauchen سیگار کشیدن
 das A und das O حروف الفبا das Ich من das Wenn und Aber اما و اگر
 das Blau آبی das Blaue آبی
 die Gute خوب der Blinde کور
 به استثنای: اگر منظور اشخاص باشند.

* اسم‌هایی که به جمع دلالت می‌کنند، به جز زمانی که با پسوندهای «-ei, -schaft» تشکیل شده باشند «das» هستند:

das Volk خلق، قوم، ملت das Gebirge رشته کوهها، سلسله جبال
 das Besteck قاشق و چنگال das Getriebe جعبه دنده
 das Gebälk تمام تیرک‌های یک ساختمان das Gepäck بارو بُنه
 اشخاص و حیوانات ماده «die» هستند؛ به استثنای:

das Weib همسر altes Weib عجوزه
 das Huhn مرغ خانگی das Mannequin مانکن
 * کلماتی که آخر آنها به «-e» ختم می‌شوند «die» هستند؛ اگر آنها موجود زنده‌ی نر یا مذکر نباشند:

Der Hirte چوپان der Bote قاصد، پیک der Löwe شیر
 * بعضی از اسم‌ها مذکر هستند، اما هم برای مرد و هم برای زن نامیده می‌شوند:
 der Mensch انسان، آدم der Gast مهمان der Lehrling کارآموز
 der Liebling محبوب، عزیز، دلبر der Minister وزیر
 der Star ستاره «سینما، ورزش»

* اسم‌هایی با جنسیت گرامری متفاوت:

این اسم‌ها می‌توانند معانی مختلفی داشته باشند و اغلب دارای جنسیت دستوری متفاوتی هستند و نیز می‌توانند از یک ریشه‌ی یکسان یا از ریشه‌های متفاوتی آمده باشند:

(1) از ریشه‌های یکسان:

der See	دریاچه ← آب‌های داخلی	die See	دریا
der Erbe	ارث ← کسی که ارث می‌برد	das Erbe	ارث
der Verdienst	درآمد، حقوق	das Verdienst	اقدام خاص
das Steuer	→ zum Lenken → برای هدایت کردن	die Steuer	مالیات
der Gehalt	محتوی	das Gehalt	حقوق، درآمد

(2) از ریشه‌های متفاوت:

der Tau	شبنم	das Tau	طناب کلفت
die Tür	در	das Tor	دروازه
der Reis	برنج	das Reis	شاخه‌ی کوچک
der Kiefer	آرواره، فک	die Kiefer	درخت کاج
der Leiter	سرپرست	die Leiter	پله

* بعضی از اسم‌های استثنا که دو یا سه جنسیت دارند:

der, das Bonbon	آب نبات	der, das Katheder	کاتدر
der, das Lampion	فانوس	der, das Radar	رادار
der, das Radio	رادیو	der, das, die Dschungel	جنگل حاره‌ای

که این موارد بویژه در مورد کلمات خارجی که وارد زبان آلمانی می‌شوند، بیشتر صدق می‌کند.

der, das Dotter	زرده‌ی تخم مرغ	der, das Erbteil	وارث
der, das Mündel	کودک تحت قیمومیت	der, das Zubehör	تجهیزات
der, das Knäuel	کلاف	der, die Abscheu	انزجار، چندی، اکراه

B2 - موارد استفاده از اسم: Verwendungen von Substantiv

B2,1 - کاربرد اسم بدون حرف تعریف: Der Gebrauch des Substantivs ohne Artikel

اینکه ما گاهی در جمله اسمی را بدون حرف تعریف می‌بینیم به این دلیل است که گوینده به موارد کلی یا عمومی اشاره می‌کند و یا به عبارت دیگر، نوع چیزی را مطرح می‌کند که **مارک** یا **مدل** آن دقیقاً مشخص نیست یا برایش **مهم** نیست:

Ich will dort Tisch kaufen. من می‌خواهم آنجا میز بخرم.
 در جمله‌ی بالا، من می‌خواهم میز بخرم و **مدل** یا **مارک** آن برایم مهم نیست، یا هنوز **مارک** یا **مدل** مشخصی مد نظرم نیست.
 Ich möchte das Auto kaufen. من مایلم این/آن اتومبیل را بخرم.
 در این جمله ماشینی که قرار است خریداری شود، درباره‌اش سابقه‌ی ذهنی دارم و **مدل** و **مارک** آن را کاملاً می‌شناسم، چون با حرف تعریف معین « das » نوشته شده است.

B2,2 - اسم کشورها: Die Ländernamen

در زبان آلمانی اسم خاص مانند: اسم افراد، اسم شهرها، کشورها و بعضی از مکان‌ها حرف تعریف ندارند، ولی گاهی استثناهایی هم وجود دارند؛ این کشورها دارای حرف تعریف معین می‌باشند:

die Schweiz	سوئیس	der Iran	ایران
die Türkei	ترکیه	der Irak	عراق
die USA (die vereinigten Staaten von Amerika) ایالات متحده‌ی آمریکا			

B2,3 - اسم‌های مرکب: Zusammengesetzte Nomen

در زبان آلمانی واژه‌ها می‌توانند به طور قابل توجه و طبق قواعد خاصی با یکدیگر ترکیب و گسترش یافته و اسم‌های مرکبی را با مفاهیم جدیدی بوجود آورند. آشنایی و شناخت این

ساختارهای ترکیبی، کمک بسزایی به زبان آموز در آموختن زبان آلمانی، ساختن کلمات جدید و نیز پی بردن به مفهوم بسیاری از واژه‌گان ترکیبی می‌کند.

نکته: در ترکیب این اسم‌ها، حرف تعریف و جمع اسم مرکب، تابع حرف تعریف و جمع اسم دوم و در صورت چند کلمه‌ای بودن اسم، تابع حرف تعریف و جمع اسم آخر می‌باشد.

در ادامه به این قوائد و ترکیبات اشاره خواهیم کرد:

B_{2,4} - ساختن اسم مرکب از ترکیب اسم + اسم: Substantiv + Substantiv

das Haus + die Tür = die Haustür « -en »	در خانه
der Garten + die Tür = die Gartentür « -en »	در باغ
der Hals + das Tuch = das Halstuch « ... er »	دستمال گردن
der Tisch + das Tuch = das Tischtuch « ... er »	رومیزی
die Taschen + das Tuch = das Taschentuch « ... er »	دستمال کاغذی جیبی
der Flug + der Hafen = der Flughafen « ... »	فرودگاه
das Haus + die Nummer = die Hausnummer « -n »	پلاک خانه
das Haus + der Lehrer = der Hauslehrer « - »	معلم خصوصی
der Hafen + die Stadt = die Hafenstadt « ... e »	شهر بندری
die Nacht + der Tisch = der Nachttisch « -e »	پا تختی

B_{2,5} - ترکیب صفت (قید) با اسم: Adjektiv (Adverb) + Substantiv

roh + das Eisen = das Roheisen	آهن خام
klein + die Wohnung = die Kleinwohnung	آپارتمان کوچک
schnell + der Zug = der Schnellzug	قطار سریع السیر
hoch + das Haus = das Hochhaus	برج، آسمان خراش
der Vierfüßler	چهار پا

B_{2,6} - ترکیب بُن (ریشه‌ی فعل) با اسم: Die Wurzel des Verbs + Substantiv

stricken → **strick** + das Garn = das Strickgarn

نخ بافندگی کاموا، نخ بُن مصدر بافتن

kaufen → **kauf** + der Mann = der Kaufmann

تاجر مرد مصدر خریدن

fahren → **fahr** + die Karte = die Fahrkarte

کارت سفر، بلیط کارت مصدر راندن

B_{2,7} - ترکیب حرف اضافه با اسم: Präposition + Substantiv

vor + der Ort = der Vorort حومه‌ی شهر، شهرک

hinter + das Haus = das Hinterhaus پشت خانه

nach + der Tisch = der Nachtschisch دِسر

nach + die Speise = die Nachspeise دِسر

B_{2,8} - ترکیب ضمیر با اسم: Pronomen + Substantiv

Ich + die Sucht = die Ichsucht

خودخواهی اعتیاد من

B_{2,9} - ساخت اسم از صفت: Das Adjektiv als Nomen

اسم‌های توصیفی مخصوص انسان هستند، برای ساختن اسم از صفت، کافی است:

کلمات مشخصی مانند « Mann » یا « Frau » را که همراه صفت هستند، حذف کرده و حرف

اول صفت را بزرگ بنویسیم.

der krank e Mann → der Kranke	آن مرد بیمار
ein krank er Mann → ein Krank er	مردی بیمار
die krank e Frau → die Kranke	آن زن بیمار
eine krank e Frau → eine Kranke	زنی بیمار

Das Partizippräsens

B_{2,10} - اسم فاعل:

با افزودن پسوند «-d» به آخر مصدر، می‌توان اسم فاعل ساخت.

der Infinitiv + **d** → das Partizippräsens

lachen + d → lachend خندان

weinen + d → weinend گریان

اسم فاعل قبل از هر چیز، در نقش قید، برای توصیف فعل به کار می‌رود:

Sie hat mir **weinend** gesagt, dass... او به من گریان گفت، که ...

موارد استفاده از اسم فاعل:

(1) هرگاه در جمله دو عمل در یک زمان انجام گیرد، عمل اول را با صرف فعل و عمل دوم را در قالب اسم فاعل می‌آوریم:

Meine Eltern kochen in der Küche (und lachen dabei.)

والدینم در آشپزخانه خوراک می‌پزند (و در حین انجام آن «و در حالی که» می‌خندند.)

Meine Eltern kochen **lachend** in der Küche.

والدینم خندان در آشپزخانه خوراک می‌پزند.

(2) از اسم فاعل به جای صفت نیز می‌توان استفاده کرد، در این مورد آن را مانند یک صفت صرف می‌کنیم:

die **weinenden** Frauen. زن‌های گریان

der **lachende** Mann. مرد خندان

(3) از اسم فاعل با رعایت فاصله‌ها می‌توان اسم ساخت:

آن دونده ساعت مچی‌اش را گم کرده است. Der **Laufende** hat seine Armbanduhr verloren.

B_{2,11} - چند نکته‌ی گرامری دیگر درباره‌ی اسم:

(1) کلمه‌ی مرکب از دو قسمت: الف) کلمه‌ی تعیین کننده Bestimmungswort

و ب) کلمه‌ی پایه « Grundwort » تشکیل شده است. مثال:

die Haustür → در خانه

die Tür → کلمه‌ی پایه

das Haus → کلمه‌ی تعیین کننده

das Haus + die Tür = die Haustür

(2) کلمه‌ی تعیین کننده به نوبه خود می‌تواند توسط کلمه‌ی تعیین کننده‌ی دیگر، با دقت

بیشتری اصلاح شود به طوری که یک رشته کلمات یا کلمه‌ی زنجیره‌ای می‌تواند بوجود آید:

der Fern- seh- nachrichten- sprecher → مجری اخبار تلویزیون

die Kraft- fahr- zeug- zulassungs- stelle → اداره‌ی ثبت‌نام وسایل نقلیه‌ی موتوری

(3) کلمه‌ی پایه: تعیین کننده‌ی کلاس کلمه، شکل جمع و صرف کلمه می‌باشد:

das Tischtuch , die Tischtücher , mit den Tischtüchern

با آن رومیزی‌ها رومیزی‌ها روی میزی

(4) یک اسم به عنوان کلمه‌ی تعیین کننده می‌تواند بدون تغییر، قبل از کلمه‌ی پایه قرار گیرد:

die Eisbahn زمین پاتیناژ das Zuckerrohr نیشکر

der Ehering حلقه‌ی ازدواج die Haustür درِ خانه

(5) اسم‌های مونث می‌توانند « -e » آخر کلمه را از دست بدهند:

das Schul(e)zimmer → das Schulzimmer

der Mietzins

(6) کلمه‌ی « die Langeweile » « بی‌حوصلگی » هم می‌تواند به عنوان صفت صرف شده و هم به عنوان صفت صرف نشده، واقع شود:

aus Langerweile از بی‌حوصلگی aus Langeweile از بی‌حوصلگی

(7) به وسیله‌ی پسوندهایی که به ریشه‌ی فعل اضافه می‌شوند، می‌توان از فعل‌ها، اسم ساخت:

fragen سوال die Frage → مصدر پرسیدن

glauben ایمان der Glaube → مصدر ایمان داشتن، اعتقاد داشتن

(8) با اضافه کردن پسوندها به صفت، می‌توان از صفت‌ها اسم ساخت:

krank → die Krankheit → بیماری

richtig → die Richtigkeit → درستی

(9) اسم‌ها می‌توانند توسط پیوست یک پسوند، محتوای خود را تغییر دهند:

der Freund دوست → die Freundschaft دوستی

die Frau زن → das Fraulein دخترخانم، دوشیزه

(10) پسوند « -e » می‌تواند از فعل‌ها و صفت‌ها، اسم بسازد که اغلب این اسم‌ها همراه با اوملاوت « ñ » یا بدون اوملاوت هستند و نیز این اسم‌ها اغلب ابزارآلات، وسایل یا دستگاه‌ها می‌باشند:

die Hilfe کمک die Bitte خواهش die Größe اندازه، بزرگی

die Höhe ارتفاع، بلندی die Schraube پیچ die Säge اره

(11) پسوندهای « -heit » و « -keit » می‌توانند از اسم، صفت و بن مضارع، اسم بسازند:

schön → die Schönheit زیبایی die Bosheit بدجنسی، بدخواهی

die Einsamkeit تنهایی، خلوت، انزوا die Verlassenheit خلوت

die Gottheit الوهیت، خدایی die Menschheit انسانیت

die Ausgeglichenheit تعادل، توازن die Schlaueit زیرکی، زرنگی

die Verschwiegenheit رازداری die Gelegenheit فرصت

12) پسوند « -ling » از اسم‌ها، صفت‌ها و فعل‌ها، اسم مذکر می‌سازد که اغلب آنها با اوملاوت « ü » همراه هستند:

der Flüchtling	پناهنده، فراری	der Lehrling	شاگرد، کارآموز
der Mischling	دورگه	der Säugling	نوزاد شیرخوار
der Sträfling	زندانی، محبوس	der Jüngling	جوان در حال بلوغ، جوانک، نوچه
der Liebling	عزیز، دلبر، محبوب، دل‌بند، معشوق		

13) پسوند « -schaft » از صفت‌ها و بُن مضارع، اسم می‌سازد که علاوه بر جمع می‌بودن، یک خاصیت یا وضعیت را نیز می‌رساند:

die Eigenschaft	خاصیت، خصوصیت، مشخصه		
die Barschaft	پول نقد	die Gefangenschaft	اسارت
die Verwandtschaft	خویشاوند، بستگان		

14) پیشوندها می‌توانند محتوای کلمه را تغییر دهند:

die Untreue	بی‌وفایی	die Missgunst	بدخواهی، غرض ورزی
die Aberglaube	خرافات، خرافه	der Vizepräsident	معاون
die Geduld	تحمل، حوصله	das Gehör	شنوایی

15) پیشوند « Erz » محتوای منفی اسم‌ها را تقویت می‌کند:

Erzgauner	کلاهبردار اعظم « بزرگ »	Erzhalunke	بدجنس اعظم « بزرگ »
-----------	-------------------------	------------	---------------------

کاربرد اصلی « Erz » در کلمات زیر دریافت می‌شود:

der Erzbischof	اسقف اعظم	der Erzengel	فرشته‌ی اعظم
der Erzherzog	دوک اعظم	der Erzvater	جد بزرگ « اعظم »

16) اسم‌هایی که با پیشوند « Miss- » همراه می‌شوند، دارای محتوای متضاد یا منفی می‌شوند و وضعیت توصیف شده با چنین اسم‌هایی در نتیجه دارای معایبی می‌باشد:

der Missstand	نارسایی	der Missbrauch	تخلف، سوءاستفاده
das Misstrauen	سوء ظن، بی‌اعتمادی	die Missernte	محصول زراعی بد

17) پیشوند « Un- » همراه اسم، محتوای منفی و متضاد می‌سازد:

der Unglaube	بی‌ایمان	der Unfriede	نارضایتی، اختلاف
der Undank	ناسپاسی	der Unmensch	بی‌رحمی
der Unhold	عفریت، هیولای آدم‌خوار	das Unkraut	علف هرز
die Untreue	خیانت، بی‌وفایی	zur Unzeit	در زمان اشتباه

18) پیشوند « Ur- » توصیف‌کننده یا نشان‌دهنده‌ی اولین‌هاست؛ یعنی اولین وضعیت یا حالت اصلی، یا اولین رویدادی که با اسم مشخص می‌شود:

der Urwald	جنگل بکر	der Urmensch	انسان ما قبل تاریخ
der Urahne	جد	die Ursache	سبب، باعث
die Urschrift	اصلی	die Uraufführung	نخستین

* پیشوند « Ur- » همچنین می‌تواند محتوای کلمه را تقویت کند؛ مانند:

die Urgewalt خشونت بنیادی و بزرگ

یا اسم‌هایی با محتوای کاملاً متفاوت می‌توانند با این پیشوند ساخته شوند:

der Urlaub تعطیلات، مرخصی der Urteil حکم، رأی، قضاوت

19) یک استثنا در مورد کلمه‌ی « der Herr »:

این کلمه در جمع « -en » می‌گیرد، ولی استثنائاً در یک مورد فقط « -n » می‌پذیرد که آن نیز برای خطاب بسیار محترمانه مورد استفاده قرار می‌گیرد:

Geben Sie bitte dem Herrn das Buch. لطفاً به آن آقا این کتاب را بدهید.

Kaufen Sie bitte dem Herrn ein Buch. لطفاً برای آن آقا کتابی بخرید.

Fragen Sie bitte den Herrn dort. لطفاً از آن آقا بپرسید.

Sagen Sie bitte dem Herrn dort. لطفاً به آن آقا بگویید.

Fragen Sie bitte die Herren dort. لطفاً از آن آقایان بپرسید.

Sagen Sie bitte den Herren dort. لطفاً به آن آقایان بگویید.